

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اشعار لاهوتی قطعه ها و منظومه ها
فرستنده: جاوید
۲۹ دسمبر ۲۰۱۸

مردستان

۳

گفت این قصه را و شد خاموش
ناگهان پُر بشد هوا ز خروش
پرچم جشن برکشیده به ماه
کاروان وطن رسید از راه
اهل هر شهر و هر دِه نزدیک
جمع گشتند از پی تبریک
بهر تبریکِ خاندانِ ظفر
افتخارِ تمامِ نوع بشر
با جوانمرد زادگان خرسند
مهربانی نموده و گفتند:
شبهه ای نیست کاینچنین پسران
نامور می شوند چون پدران
ما به آنها کنیم غمخواری
مهربانی و خدمت و یاری
تا تماماً بزرگ و مرد شوند
پخته در صنعت و نبرد شوند
باز هم بر فلک خروش رسید
نغمه های ظفر به گوش رسید
وقت شب هر کس، با خاطر شاد
سوی بنگاه خود به راه افتاد
زان مسافر که آمد از ره دُور
گشت این قصه در جهان مشهور

مردستان

۴

این سخن شیرۀ دل و جان است
لایق هدیه بر دلیران است
به دلیران سوسیالیستی
قهرمان های ضد فاشیستی
پهلوان های کارگر-دهقان
بی سخن زنده های جاویدان

ستالین آباد ۱۹۴۱